

# آثار اجتماعی وقف اسلامی

## در ایران (قسمت اول)

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد سجادی

### چکیده:

یکی از سنت‌های نیکو، حسنه و با قدمت طولانی ادیان و مذاهب مختلف که مورد توجه و علاقه عموم مردم و اندیشمندان صالح و پیامبران الهی بوده و اسلام نیز بر آن تأکید ورزید و از سوی ائمه اطهار (علیهم السلام) سفارشات فراوان یافت به گونه‌ای که مشروعیت آن بر کسی پوشیده نیست، وقف می‌باشد.

نهاد وقف از جمله مصادیق خیریه‌ای و نیک دوستی دین مبین اسلام است. آثار و پیامدهای اجتماعی وقف از جنبه‌های مختلف و به گونه‌ای آشکار در جامعه ایران قابل مشاهده است و دارای ابعاد گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده و این آثار به همدیگر پیوندی تنگاتنگ دارد به طوری که حتی نتایج آشکار اجتماعی آن نیز دارای وجوه فرهنگی و اقتصادی و حتی و معرفتی خاص می‌باشد.

در این نوشتار به آثار اجتماعی وقف و با تأکید بر بخش خاصی از این مباحث که در حیطه وقف اسلامی در جامعه ایرانی است، می‌پردازیم.

### کلیدواژه‌ها:

وقف، ایران، وقف اسلامی، آثار اجتماعی وقف.

**مقدمه:**

روش تحقیق در نوشتار حاضر کتابخانه‌ای و با مراجعه اسناد اوقافی و مطالعه کتاب‌ها و مقالات مربوطه و همچنین بررسی هزینه‌ها و مصارف نیت واقفان کل کشور و مقابله اسناد اوقافی که در مرکز اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه موجود می‌باشد یا توسط آن سازمان و ادارات تابعه به چاپ رسیده با دیگر اسناد اوقافی در آستان قدس رضوی و کتابخانه‌های مجلس و ملی صورت گرفته است.

در این مقاله ابتدا به سیر تاریخی وقف در کشور ایران تا پایان دوره ستم شاهی می‌پردازیم و از آنجایی که در دوره جمهوری اسلامی تحولاتی عظیم در سامان‌دهی و اداره موقوفات صورت گرفته که خود دارای مباحثی طولانی است به ذکر اشاره‌ای از آن بسنده کرده و مباحث گسترده‌اش را طرح نمی‌کنیم. این بررسی ابتدایی از آن روی دارای اهمیت است که تا سیر تاریخی وقف در ایران روشن و مبین نشود نمی‌توان هیچ یک از آثار

خصوصاً اثرات اجتماعی وقف را در ایران مورد کاوش قرار داد. هرچند پیرامون «وقف»، «آثار وقف»، «وقف اسلامی» و «وقف در ایران» مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی نگاشته شده ولی کمتر به «آثار اجتماعی وقف» پرداخته شده است و تعداد مقاله‌ها و کتاب‌های نوشته شده در این زمینه بسیار کم است؛ لذا طی چند شماره و در چهار قسمت به بررسی آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران می‌پردازیم و از میان انبوه آثار کوچک و بزرگ، بیست و یک اثر در قالب ابعاد اجتماعی وقف ذکر می‌گردد.

**وقف و ایران اسلامی****آغاز اسلام**

ایران در سال ۳۲ هـ. ق با مرگ یزدگرد جزء قلمرو اسلامی شد. از زمان آغاز دین مبین اسلام هنوز چند قرنی سپری نشده بود که سطح موقوفات در ایران نیز مانند سایر شئون تمدن اسلامی به وضع شگفت‌انگیزی رو به توسعه گذارد و املاک و مستغلات

کردند و همان طور که در تمام شئون علمی و ادبی و کشاورداری، ایرانیان مسلمان نسبت به سایر مسلمانان ممتاز و پیشرو بودند، در انجام وقف و کار خیر نیز پیش قدم شدند و ابتکاراتی در مصارف وقف از خود نشان دادند که هنوز قسمتی از آثار و ثمرات نیک آن باقی است. در همین عصر هنگام پادشاهی آل بویه - که از خاندان‌های ایرانی‌الاصل بودند- در شهرهای بزرگ ایران و عراق از قبیل اصفهان و شیراز و ری و بغداد املاک بسیاری بر امور فرهنگی، بهداشتی و دینی به وسیله مردمان خیراندیش و وزرای دانشمند آن طایفه وقف گردید.

### سامانیان

در دوره سامانیان (۲۷۹ تا ۳۸۹ هـ. ق مصادف با ۲۷۱ تا ۳۷۸ ش) در نیمه دوم سده چهارم تشکیلات اداری به نام دیوان اوقاف به وجود آمد که به کار مساجد و اراضی موقوفه رسیدگی می کرده است. قبل از آن وظیفه اداره اوقاف بر عهده قضات بوده است. از به وجود آمدن

بزرگ و پر درآمد یکی پس از دیگری برای خیرات و مبرات عمومی وقف شد و مدارس و مساجد و بیمارستان‌ها و تیمارستان‌ها و جذامی‌خانه‌ها و پل‌ها و رباط‌ها و کاروانسراها و حمام‌ها و بازارها و آب‌انبارها و نظایر این‌ها از جانب مردم نیکومنش و خیراندیش برای استفاده عموم خاصه فقرا و مستحقان در شهرستان‌ها و قصبه‌ها و دهستان‌ها وقف گردید.

### عباسیان

در دوره عباسیان (۱۳۲ تا ۶۵۶ هـ. ق مصادف با ۱۲۸ تا ۶۳۷ ش)، رقبات موقوفات و درآمد آن‌ها در تمام کشورهای اسلامی رو به ازدیاد گذارد و مردمان خیراندیش و امرا و وزرا و بزرگان و تجار موقوفات بسیاری برای امور عام‌المنفعه از خود به یادگار گذاردند.

در عصر عباسیان، طولانی‌ترین و پهناورترین حکومت اسلامی بنیان‌گذاری شد که در برپایی و ادامه حکومت، ایرانیان نقش آفرینی بسیار

دیوان اوقاف معلوم می‌شود که در این دوره موقوفات نسبتاً فراوان بوده است برای مثال در این دوره که به علم و دانش بها داده می‌شد، ابوالحسن محمد بن شعیب بیهقی (م ۳۲۴ هـ.ق) مدرس و مفتی شافعیان خراسان که از نزدیکان ابوالفضل بلعمی (م ۳۲۹ هـ.ق) وزیر دانشمند ایرانی بود، در کوی سیار نیشابور مدرسه‌ای تأسیس کرد و مبالغی هنگفت از اموال خود را برای اداره این مدرسه و کمک به دانشجویان شاغل به تحصیل در آن وقف کرد<sup>۱</sup> از طرفی چون مهم‌ترین منبع درآمد در این دوره زمین کشاورزی بود و رقبات موقوفه را اراضی کشاورزی تشکیل می‌دادند، لذا موقوفات از اهمیت ویژه و حیاتی برخوردار بود.

### آل بویه

در دوره آل بویه (۳۲۰ تا ۴۴۷ هـ.ق مصادف با ۳۱۱ تا ۴۳۴ ش) عضدالدوله دیلمی (م ۳۷۲ هـ.ق) در سال ۳۵۸ هـ.ق بیمارستان معروف «عضدی» را در بغداد ساخت و سپس در شهرهای

دیگر نیز بیمارستان‌هایی ساخته شد که در کتاب‌های تاریخی به نام فارسی «مارستان» و «مارستانات» نام برده شد که بسیاری از آن بیمارستان‌ها وقف بیماران و مداوای مردم گردید.<sup>۲</sup> «مارستان عضدی» دارای بیست و چهار پزشک بوده و در آنجا تمام وسایل دارو و لوازم پزشکی و جراحی و کحالی و شکسته‌بندی و فصادی وجود داشته است.<sup>۳</sup>

### سلجوقیان

در دوره سلجوقی (۴۲۹ تا ۴۹۰ هـ.ق مصادف با ۴۱۹ تا ۴۷۶ ش)، به ویژه در دوران حکومت معزالدین ابوالفتح ملک شاه اول (م ۴۸۵ ق) به سال ۴۶۵ هـ.ق که اصفهان به عنوان مقر حکومت انتخاب شده بود؛ وزیر دانشمند او یعنی خواجه نظام الملک که بیش از پنجاه سال با اقتدار و تدبیر وزارت کرد بناهای زیادی را احداث و وقف امور خیریه کرد. از بناهای مهم آن عصر مسجد جامع فعلی شهر و مدرسه نظامیه است.

بسیاری از مراکز وقفی و موقوفه‌ای، در این آشوب فرهنگ‌سوز از میان رفت. به واسطه این فتنه، پیوند ممالک اسلامی گسسته شد و داد و ستدهای علمی و فرهنگی مسلمانان و ارتباطات پربرکت مدارس و مراکز علمی جوامع اسلامی متوقف گشت در چنین وضعیتی شاهد آن هستیم که وضع موقوفات آشفته گردد و اشراف برخی از آن‌ها را تصرف کنند. تلاش‌های خواجه نصیر طوسی در دوره هولاکو (از سال ۶۵۱ تا ۶۶۳ هـ.ق) برای سرو سامان دادن به وضع موقوفات، نتیجه خوبی داشت ولی جامع نبود و مشکلات همچنان تا زمان اسلام آوردن ایلخانان مغول ادامه داشت.

### ایلخانان

با استیلاء ایلخانان بر ایران (۶۵۴ تا ۷۵۰ هـ.ق مصادف با ۶۳۵ تا ۷۲۸ ش) و انقراض حکومت عباسیان در سال ۶۵۶ هـ.ق کم کم، اوضاع به گونه‌ای شد که ایرانیان در دستگاه‌های حکومتی راه یافته، لذا غازان خان در

در دوره این وزیر دانشمند به علم و دانش بهایی ویژه داده شد، و دانشگاه‌های زیادی به دستور او ساخته شد که به نظامیه مشهور شدند. مهم‌ترین نظامیه، نظامیه بغداد بود و صدقات و موقوفات بسیاری برای دانشمندان و مدرسان و دانشجویان مدارس و پارسایان وقف گردید.<sup>۴</sup> تاریخ نگاران جمع درآمد این موقوفات و دانشگاه‌ها را بالغ بر ششصد هزار دینار نوشته و فقط جمع درآمد موقوفات مدرسه نظامیه بغداد را شصت هزار دینار ذکر کرده‌اند.<sup>۵</sup>

### مغولان

با استیلای مغولان بر ایران (۶۲۸ تا ۶۵۴ هـ.ق مصادف با ۶۱۰ تا ۶۳۵ ش)، عالمان و مؤلفان و مدرسان و عارفان و هنرمندان بزرگی در فتنه و یورش بی‌رحمانه آنان کشته شدند یا راه غربت و آوارگی در پیش گرفتند و باب خیرات بسته شد و اقدامات فرهنگی و از جمله وقف و رسیدگی به موقوفات تعطیل گشت و مراکز علمی و دینی و

سال ۶۹۰ هـ. ق به سلطنت رسید و رشیدالدین فضل الله وزیر او شد، این حاکم وقف دوست در شهرها و نقاط گوناگون تحت سلطه خود در ایران اماکن مذهبی و عمومی فراوانی ساخت و همه آن‌ها را وقف کرد که ذهبی گزارشی از موقوفات او را بیان می‌نماید.<sup>۶</sup>

در دوره سلطنت غازان خان، موقوفات جالب توجهی وجود دارند که بررسی آن‌ها از جهات مختلف سودمند است. غازان خان پس از مسلمان شدن نام خود را محمد نهاد و به تأسیس موقوفاتی همت گماشت که در نوع خود کم نظیر است.<sup>۷</sup> وی موقوفاتی را جهت انجام انواع امور عام‌المنفعه از مسجد و مدرسه گرفته تا گرمابه و دارالشفاء تأسیس نمود<sup>۸</sup> و علاوه بر این‌ها مقرر کرد که مکتب‌خانه‌های معینی در کشور تأسیس شوند و هر مکتب‌خانه، یک صد نفر یتیم را ثبت نام کرده و به هر یک قرآن و سواد آموخته و پس از اتمام درس، ایشان را فارغ‌التحصیل کرده، یک صد یتیم دیگر را تعلیم دهند

و در طول تحصیل ضروریات زندگی دانش‌آموزان تکفل شود. او موقوفاتی را برای پرورش اطفال سر راهی قرار داد تا به سن تمیز رسیده و به صنعت و پیشه‌ای مشغول گردند.

در این دوره است که به دست رشیدالدین فضل الله وزیر فرزانه ایلخانیان موقوفات ربع رشیدی در تبریز به وجود آمد. تلاش‌های رشیدالدین فضل الله همدانی در این زمینه بسیار حایز اهمیت است. با توجه به این که موقوفات در این دوره بسیار چشمگیر بوده و رشیدالدین فضل الله تأکید زیادی بر آن داشت. همین وسعت و اهمیت سبب ایجاد تشکیلات منظمی برای اداره موقوفات به نام حکومت اوقاف، وابسته به دیوان قضا گردید که تحت نظارت قاضی القضاة عمل می‌کرد و رئیس آن حاکم اوقاف بود.

همچنین رشیدالدین فضل الله طی فرمانی می‌نویسد:

«اگر نقصان عواید اوقاف به علت صدور حواله و مطالبه مالیات زاید از طرف دیوان است موقوفات را باید از

پرداخت این حواله‌ها و مالیات معاف دارند.»<sup>۹</sup>

در سده هشتم با آن که واقفان بزرگی همچون خواجه رشیدالدین کشته شدند و موقوفات ربع رشیدی با خاک یکسان و آثار آن نابود گشت<sup>۱۰</sup> ولی شاهد آن هستیم که مسئله وقف در خانواده‌ها و مجامع و محافل دولتی مطرح شد و وقفنامه‌های جدیدی نوشته گشت؛ مثلاً وقفنامه سه ده کاشان که عبارتند از: بیدگل، هراسکان و مختص آباد، در آن دوران در سال ۷۰۳ هـ. ق نوشته شده است.<sup>۱۱</sup> وقفنامه مدرسه رکنیه یزد<sup>۱۲</sup>، مسجد جامع جدید یزد (که واقفان آن سید رکن‌الدین ابوالمکارم محمد قاضی حسینی یزدی متوفای ۷۳۲ هـ. ق و پسرش سید شمس‌الدین محمد متوفای ۷۳۳ هـ. ق از سادات عریضی بودند)<sup>۱۳</sup> متعلق به همین دوران است. معافیت مالیاتی موقوفات در آن دوران، نشان از گسترش فرهنگ وقف دارد.

سلطان احمد جلایر به سال ۷۸۴ هـ. ق به سلطنت جلوس و تا ۸۱۳ هـ. ق در تبریز و بغداد حکومت کرد.

وی به سال ۷۷۳ هـ. ق فرمانی در باب معافیت موقوفات مخصوص بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی از پرداخت مالیات که در آن عهد تحت اداره شیخ صدرالدین موسی (م ۷۹۴ ق) پسر شیخ صفی‌الدین بوده، صادر کرده است و عین این سند مهم تاریخی در کتابخانه ملی پاریس ضبط است.<sup>۱۴</sup>

### تیموریان

متأسفانه هنوز زخم چنگیز و فرزندان او التیام نیافته بود که حوادث تاریخی، سرزمین ایران را بار دیگر میدان تاخت و تاز و لگدکوب ترکان تیموری (۷۷۱ ق) کرد<sup>۱۵</sup>؛ و حکومت تیموریان (۷۷۱ تا ۹۱۱ هـ. ق مصادف با ۷۴۸ تا ۸۸۴ ش) با زور شمشیر و نیزه در ایران بنیان گذاری شد.

با این وجود در این دوره یعنی سده نهم و در عصر تیموری نیز موقوفه‌هایی بر اوقاف کشور افزوده شد و بسیاری از مساجد بزرگ کشور مربوط به این دوره است. مسجد زیبای گوهرشاد در مشهد و در هرات، مسجد

حظیره<sup>۱۶</sup> و مسجد امیر چقماق در یزد<sup>۱۷</sup>، مسجد کبود تبریز<sup>۱۸</sup> در زمره این مساجد هستند. طبق اسناد موجود تیمور شخصاً اراضی زیادی از جمله املاک اصفهان، همدان، طالش و طارم را خریده و وقف خاندان صفوی نموده است.<sup>۱۹</sup>

### صفویه

تقریباً پس از سه سده، زمینه‌ای فراهم شد تا شعله‌های تمدن اسلامی و ایرانی یک بار دیگر از دل انبوه خاکسترها سر برآورد.

این بار پس از غروب آفتابی که از خراسان برآمده بود، آفتاب تمدن اسلامی - ایرانی از افق تبریز طلوع و به سوی اصفهان روی کرد، و این شهر را به کانون عظیم علم و هنر و معرفت و حکمت و شعر و ادب مبدل ساخت و اصفهان از آن پس برای صدها سال نگین انگشتی مشرق زمین شد و دوره صفویه (۹۰۷ تا ۱۱۳۵ هـ. ق مصادف با ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ ش) آغاز گشت.

حکومت صفویه با سلطنت شاه

اسماعیل آغاز شد. در دوران صفوی وقف رونق و رواج فراوانی یافت و علاوه بر مردم عادی و متمولین، شاهان صفوی نیز اموال فراوانی را به جرگه موقوفات افزودند. این خاندان بسیاری از املاک خود را وقف مقاصد خیریه و به ویژه وقف بقاع متبرکه شیعه و در رأس همه، وقف آستان مبارک امام رضا (علیه السلام) و حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) نمودند.

در این دوران ماهیت مذهبی سلسله صفویه و تعصب آن‌ها برای مبارزه با دولت عثمانی و به کارگیری علماء دین در مناسب کلیدی دولت سبب تحول نوع و مصارف موقوفات گشت. در این دوره تشکیلات مستقلی برای اداره موقوفات زیر نظر صدر به وجود آمد که نمایندگان در همه شهرهای بزرگ به نام وزیر اوقاف داشت و نظارت بر اوقاف بر عهده آن‌ها بود<sup>۲۰</sup> و این توجه موجب گسترش کاروانسراها، رباطها، تکیه‌ها، امامزاده‌ها و آب انبارهای وقفی در این دوره گردید.

در این دوره تمام تاجران و متمولین

را مهمانخانه‌های مشرق زمین نام گذاری کرده است.<sup>۲۱</sup>

در این دوره به ترغیب عالمان دینی اغلب خاندان سلطنتی از زن و مرد و امرا و بزرگان کشوری و لشکری از خود موقوفات بسیاری به یادگار گذاردند و چنان در انجام این کار خیر اجتماعی به رقابت افتادند و بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند که املاکی در شهر اصفهان یافت نمی‌شد مگر آن که وقف شده بود.

در این دوره که برای هر یک از مقامات کشوری و لشکری، وزراء و مستوفیان، مسئولیتی خاص معین شده بود اداره امور اوقاف ایران نیز به یکی از بزرگان که هم جنبه روحانی و هم جنبه دیوانی و اداری داشت واگذار شده بود. متصدی این مقام بنام صدرالصدور و وزیر اوقاف و مستوفی موقوفات خوانده می‌شد.<sup>۲۲</sup>

در کتاب تذکرة الملوک<sup>۲۳</sup> که درباره تشکیلات و سازمان اداری و مشاغل و مناصب دوره صفویه نوشته شده است در چند مورد مطالبی درباره کیفیت اداره

خصوصاً پادشاهان به ترغیب عالمان دینی، امور موقوفه را تقویت می‌کردند و املاک و اموال بسیاری را جهت اداره اماکن مذهبی و مورد احترام مانند آستانه مبارکه مشهد و قم وقف کردند؛ و بناهای فراوان موقوفه در اصفهان به وجود آمد که در زمان شاه عباس در کنار بازار شهر وقف می‌شد که عمارت‌های دارالشفاءها، مدارس و کاروانسراها از آن جمله است.

در دوران صفویه به خصوص دوره پادشاهی شاه عباس اول، موقوفات رشد چشمگیری کرد و شاه عباس که در سال ۹۹۶ هـ. ق بر تخت نشست و حکومت او تا سال ۱۰۳۸ هـ. ق ادامه داشت، املاک خاصه خود را که شامل خانات، قیصریه، چهار بازار و حمامات بود به چهارده تقسیم و بر چهارده معصوم وقف کرد. در دوره صفوی در ایران نه صد و نه باب کاروانسرا ساخته‌اند و وقف نمودند که تاورنیه سیاح فرانسوی که در سال‌های ۱۰۴۱ تا ۱۰۷۸ هـ. ق (مصادف با ۱۶۳۲ تا ۱۶۶۸ م) از ایران بازدید می‌نماید آن‌ها

امور اوقاف دارد و چنین می‌نویسد:

«... در بیان شغل صدارت خاصه و عامه - لازمه منصب مطلق صدارت تعیین حکام شرع و مباشرین اوقاف تفویضی... و متولیان و حفاظ و سایر خدمه مزارها و مدارس و مساجد و بقاع الخیر و وزاری اوقاف و نظار و مستوفیان و سایر عمله سرکار موقوفات... با اوست»<sup>۲۴</sup>

در جای دیگر از همان کتاب چنین می‌نویسد:

«در بیان تفصیل شغل مستوفی موقوفات ممالک محروسه: شغل مشارالیه آنست که وزراء و مستوفیان و متصدیان و متولیان و مباشرین موقوفات خاصه و ممالک همگی محاسبه خود را به دفتر موقوفات رسانیده مستوفی مزبور محاسبات را خط گذاشته اسناد خرج را نسخه کشیده مفاصا حساب و طوامیر نسق به هر یک داده که از آن قرار داد و ستد نمایند و ارقام و امثله دفتری که صادر می‌شود به مسوده دفتر موقوفات محرران ارقام و مثال نویسان مثال می‌نوشته‌اند...»<sup>۲۵</sup>

تاورنیه موقوفات ایران را به دو دسته سلطنتی و متفرقه تقسیم می‌نماید و بیان می‌دارد که رئیس موقوفات سلطنتی ملقب به صدر الخاص است و رئیس موقوفات متفرقه ملقب به صدر الموقوفات می‌باشد.<sup>۲۶</sup>

کمپفر آلمانی نیز که تقریباً هم زمان با تاورنیه به ایران مسافرت کرده از تشکیلات مهم وقفی همچون صدر، مستوفی موقوفات، متصدی موقوفات و وزیر موقوفات نام می‌برد که نشان دهنده رونق و اهمیت وقف در این دوره است.<sup>۲۷</sup>

پرفسور لمبتون می‌گوید: اصولاً صفویه بسیاری از املاک خود را وقف مقاصد خیریه به خصوص وقف بقاع متبرکه شیعیه و از همه بالاتر آستانه امام رضا (علیه السلام) در مشهد و خواهرش حضرت معصومه (علیها السلام) در قم کردند. بعضی از این املاک وقفی موقوفاتی بود که به خاندان صفویه پیش از آن که به سلطنت برسند تعلق داشت.<sup>۲۸</sup>

بنابراین دوره صفویه که اوج رواج

## افغان‌ها

تهاجم افغان‌ها و سیطره آنان بر مرکز دولت صفوی (۱۱۳۵ تا ۱۱۴۵ هـ.ق مصادف با ۱۱۰۱ تا ۱۱۱۱ش) وضع را دگرگون ساخت، مفتی گروه مهاجم، یعنی ملا زعفران و سایر علمای افغان، مردم اصفهان را رافضی و مشرک خواندند و این شهر را مفتوح‌العنوه قلمداد کردند جماعت یاغی افغان تا هر کجا که می‌توانستند و فرصت داشتند، املاک و اراضی وقف را جزو خالصه و تحت تصرف خود درآوردند و طومارها و وقفنامه‌ها را از بین بردند، بسیاری از آن املاک را نیز به اراضی موات تبدیل نموده و قنات‌ها را پر کردند و سایر آثار دیگر، اعم از دکان‌ها، کاروانسراها و سایر مستغلات را خراب کردند؛ در حقیقت آنچه در عصر صفوی به خصوص از زمان شاه‌عباس اول تا آن زمان به عنوان موقوفات و تشکیلات اوقاف بر اساس نظم و تدبیر حاصل شده بود، یک‌باره با هجوم افغانیان و محاصره شهر و ویرانگری‌های این گروه مهاجم از

تفکر مذهب شیعه در سرتاسر ایران بوده است را باید نقطه عطفی در فرهنگ وقف در ایران و اوج اعتلای این سنت حسنه دانست. خاندان صفوی به تبعیت از عالمان و اندیشمندان زمان خود آن چنان فرهنگ وقف را در میان مردم رایج ساختند که دیگر وقف مختص مالکان بزرگ و ثروتمندان نبود بلکه بیشتر مردم نیز بنا به وضع مال خود در این امر خیر شرکت می‌کردند.

در اواخر دوران صفویه و عصر حکومت شاه سلطان حسین (۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ هـ.ق)، کلیه اراضی و املاکی که شرعاً ممکن بود وقف شود، جزو موقوفات قرار گرفته بود، و این باعث شد که جهت پشتوانه مالی برای مدارس و مساجد اصفهان حتی در شهرهای دیگر، مانند کاشان و یزد و ... زمین و یا سایر مستغلات را خریداری کنند و آن‌ها را جزو موقوفات آن اماکن قرار دهند که تاکنون نیز در آن حدود موقوفاتی به نام مساجد و مدارس صفویه موجود است. ۲۹

فوق العاديات  
التي كانت  
مما نزلت  
كذلك  
وقب ائري ماندگار در دنيا

۱۱۴۸ هـ. ق تاجگذاری نمود و تا سال ۱۱۶۰ هـ. ق زمام امور را به دست داشت در ابتدای سلطنت خود فرمان داد که در تمام ایران اوقاف را ضبط نمایند تا به مصرف قشون و لشکریان برسد. به دنبال صدور این فرمان نامشروع بسیاری از موقوفات از مردم تحویل گرفته شد و جزء املاک خالصه ثبت گردید. زمین‌های وقفی عمدتاً به تملک عمده مالکان درآمد. این غصب و تجاوز سبب شد که بسیاری از وقفنامه‌ها پنهان و به تبع آن بسیاری از موقوفات مجهول گردد. از سوی دیگر در جریان غارت افغان‌ها نیز بسیاری از اسناد اوقاف در آتش سوخت و به تدریج زمین‌های وقفی عملاً از حالت موقوفه بودن خارج شد. نادر در اواخر دچار امراضی شبه جنون شد، و در این زمان برای موقوفات اصفهان بلیه‌ای تازه پیش آمد که آن هم بعد از حمله افغان لطمه دیگری بود که وضع املاک موقوفه مربوط به عصر صفویه را دگرگون ساخت، در این زمان برخی از فرمانروایان و اطرافیان نادر به جان

هم گسیخته شد، و تمام اسناد و دفاتر موقوفات را نابود کردند، به طوری که نوشته‌اند:

در این زمان رقبات دفتری صفویه را که تشخیص قرار از دولتی و موقوفه ملی به درستی ربط می‌داد و در عمارت چهل ستون ثبت و ضبط بوده است، به وسیله افغان‌ها به رودخانه زاینده‌رود افکنده شد<sup>۳۰</sup> و بدین صورت، اسناد و آثار بسیاری که مربوط به اوقاف عصر صفوی بود از این طریق نابود شده است.

### افشاریه

با مبارزه شبانه روزی نادرشاه افشار و غلبه او بر افغانه در سال ۱۱۴۵ هـ. ق، این طایفه از اصفهان و سایر بلاد ایران عقب رانده و اخراج گردیدند و سلسله افشاریه (۱۱۴۸ تا ۱۱۶۳ هـ. ق مصادف با ۱۱۱۴ تا ۱۱۲۹ ش) بنیان گذارده شد و نادر بر تخت پادشاهی نشست، لیکن وی با همه رشادت‌هایی که در ابتدای کار خود نشان داد، موقوفات را محل تاراج خود قرار داد و او که در سال

موقوفات افتاده از بدون سند بودن آن استفاده کرده و املاک بی صاحب موقوفه را به نام خود و اطرافیان ثبت کردند، این اقدامات جاه طلبانه آنچنان وسیع گشت که استملاک موقوفات در اواخر دوره نادر بسیار معمول شده بود<sup>۳۱</sup> و باعث گشت آشفته‌گی‌ها در وضع موقوفات بعدها نیز ادامه یابد.<sup>۳۲</sup>

### زندیه

کریم خان زند از سال ۱۱۶۳ ه. ق تا سال ۱۱۹۳ ه. ق حکومت خود را در شیراز مستقر نمود وی که حکومتی با ماهیت شیعی برپا کرده بود، دوباره به علما و محافل دینی بها داد و به اوقاف توجه نمود. او طی فرمانی وزیری مستقل را برای رتق و فتق و سامان دادن موقوفات مملکت برگزید. وی بقعه شاه چراغ در شیراز را تعمیر نمود و مدرسه‌ای بنا کرد و وقف نمود که پس از مرگش مدرسه خان نامیده شد، همچنین ساخت مدرسه دیگری را آغاز کرد که اجل مهلت انجامش نداد. پس از کریم خان، دوره زندیه

بیش از شانزده سال دوام نیاورد و در سال ۱۲۰۹ ه. ق مصادف با ۱۱۷۳ ش منقرض شد.

### قاجار

سلسله قاجاریه در سال ۱۲۰۹ ه. ق با آقا محمدخان بر سر کار آمد و در سال ۱۳۴۳ ه. ق مصادف با ۱۳۰۴ ش با خلع احمد شاه منقرض شد. در دوران قاجاریه که آغاز تأثیرپذیری ایران از غرب بود علیرغم افزایش تعداد موقوفات، اوضاع اوقاف آشفته بود. البته در دوران میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی اقدامات اصلاحی در جهت بهبود اوضاع اوقاف انجام شد که به عنوان مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نظارت بر اعمال متولیان
۲. دستور مبنی بر ثبت صحیح اوقاف در وزارت اوقاف
۳. اخذ مالیات موقوفه‌ها به سبب بی‌مبالاتی برخی متولیان که از موقوفه‌ها بهره‌برداری شخصی می‌نمودند. شخص میرزا حسین خان قزوینی نیز

از اموال خویش موقوفات قابل توجهی را بر جای گذاشته است که مدرسه علمیه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری «رحمت الله علیه») و مجلس شورا یا ساختمان بهارستان از آن جمله است. وقفنامه‌هایی از سده سیزده در دست است که نشان از افزایش شمار موقوفات در این دوره دارد.

در مصایب و بلاهایی که بعداً دامن گیر اصفهان شد به خصوص قحطی معروف سال ۱۲۸۸ ه.ق، شهر یک مرتبه از سکنه خالی گردید و هیچ سر و سامانی هم در امور اوقاف وجود نداشت.

شواهد نشان می‌دهد که از ابتدا تا انتهای حکومت قاجاریه بسیاری از آثار تاریخی ارزشمند مربوط به صفویه در اصفهان نابود شده است، از این میان می‌توان از عمارت آینه‌خانه، هفت دست، نمکدان، کشکول و کاخ‌های باغ سعادت‌آباد نام برد.<sup>۳۳</sup>

این ویرانگری آثار عهد صفوی و تصرف اراضی موقوفه به خصوص در دوران حاکمیت ظل‌السلطان (۱۲۹۱ تا

۱۳۲۵ ه.ق) آن طور بود که وقتی سید جمال‌الدین اسدآبادی در سال ۱۳۱۴ ه.ق به این شهر وارد شد به او خبر رسید که ساختمان‌های تاریخی صفویه را خراب می‌کنند، وی از این موضوع بسیار متأثر شد و عاملین این کار را مورد مؤاخذه قرار داد<sup>۳۴</sup> و در اواخر همین دوره مدارس بسیاری، بالغ بر بیست مدرسه از عهد صفویه، در اصفهان خراب شد که تنها چهارده مدرسه آن در محلات خواجه و عباس‌آباد واقع شده بود.<sup>۳۵</sup>

با اقدامات بجا و مناسب علماء ایران از جمله سید شفتی و علامه کلباسی برخی از موقوفات احیاء شد و کار وقف ادامه یافت. اروپاییانی که در این دوره از ایران دیدن کرده‌اند، از املاک فراوان موقوفه سخن گفته‌اند، از جمله، هانری رنه آلمانی که در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه از ایران دیدن کرده است، می‌نویسد: «املاک بسیاری وقف مساجد و مدارس و بقاع متبرکه شده است. عایدات املاک وقفی بسیار زیاد است، مخصوصاً عایدات

از اموال خویش موقوفات قابل توجهی را بر جای گذاشته است که مدرسه علمیه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری «رحمت الله علیه») و مجلس شورا یا ساختمان بهارستان از آن جمله است. وقفنامه‌هایی از سده سیزده در دست است که نشان از افزایش شمار موقوفات در این دوره دارد.

در مصایب و بلاهایی که بعداً دامن گیر اصفهان شد به خصوص قحطی معروف سال ۱۲۸۸ ه.ق، شهر یک مرتبه از سکنه خالی گردید و هیچ سر و سامانی هم در امور اوقاف وجود نداشت.

شواهد نشان می‌دهد که از ابتدا تا انتهای حکومت قاجاریه بسیاری از آثار تاریخی ارزشمند مربوط به صفویه در اصفهان نابود شده است، از این میان می‌توان از عمارت آینه‌خانه، هفت دست، نمکدان، کشکول و کاخ‌های باغ سعادت‌آباد نام برد.<sup>۳۳</sup>

این ویرانگری آثار عهد صفوی و تصرف اراضی موقوفه به خصوص در دوران حاکمیت ظل‌السلطان (۱۲۹۱ تا

موقوفات امام رضا (علیه السلام) که مقبره او در شهر مشهد واقع است بسیار مهم می‌باشند.» وی درآمد موقوفات امام رضا (علیه السلام) را در سراسر کشور شصت هزار تومان نقد و ده هزار خروار غله ذکر می‌کند. با وجود این که املاک موقوفه از دادن مالیات معاف بودند، شاه به عنوان حق التولیه سالی هزار تومان از مشهد دریافت می‌کرد<sup>۳۶</sup>. پولاک پزشکی و سیاح آلمانی نیز در سفرنامه‌اش تحت عنوان «ایران و ایرانیان» از بناهای عام‌المنفعه که به کمک موقوفات اداره می‌شود این چنین یاد می‌نماید:

«حمام‌های عمومی به اثر موقوفات دینی ایجاد می‌شود و مخارج نگاه‌داری آن نیز از همان محل است.» در جایی دیگر از سفرنامه‌اش آورده است: «در بسیاری از میدان‌های عمومی شهر تکیه وجود دارد که بر اثر موقوفات مذهبی ایجاد و نگهداری می‌شود»<sup>۳۷</sup>.

مادام دیولافوا محقق فرانسوی که در فاصله سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱ ه. ق

در ایران به سر می‌برده در سفرنامه خود در خصوص اوقاف ایران چنین می‌نویسد:

«مسلمانان خیر اندیش قبل از مرگ غالباً یک ثلث از املاک و دارایی خود را وقف مسجد و مدرسه و یا اعمال خیر دیگر از قبیل روضه خوانی و اطعام مساکین و غیره می‌کنند. به موجب قوانین اسلامی اداره املاک موقوفه باید کاملاً منظم باشد و متولیان هم باید مطابق وصیت نامه واقف عمل کنند و عایدات وقف را بر سایر عایدات مخلوط ننمایند. به طوری که من استنباط کردم دو ثلث عایدات موقوفه صرف معاش طلاب علوم مذهبی می‌شود و باید در اختیار علما باشد و هرگاه عایدات زیادتر از مخارج معین باشد، متولی مجاز است که از این مازاد ملک دیگری خریده و به موجب وصیت واقف، وقف کند و ممکن است این املاک فرعی با اجازه مجتهدین قابل انتقال باشد»<sup>۳۸</sup>.

مشروطه که با صدور فرمان مظفرالدین شاه در سال ۱۳۲۴ ه. ق

اوقاف و آموزش و پرورش تحت نظر یک وزارتخانه قرار گرفت، در ابتدای امر نگاهی کاملاً فرهنگی به موقوفات رواج یافت ولی به مرور زمان اوقاف از وزارت فرهنگ و معارف تفکیک شد. از دیگر رخدادهایی که با استقرار نظام قانون گذاری در مملکت شاهد بودیم، وضع مقررات مربوط به وقف در برنامه های عمرانی کشور و توجه به جایگاه موقوفات و نحوه اجرای برنامه های عمرانی در محدوده موقوفات بود. موقوفات در مقررات مربوط به اراضی شهری و شهرداری ها مورد توجه قرار گرفته، مقرراتی نیز در رابطه با حفظ و حراست آنها مصوب شد و پرونده های قضایی موقوفات در اولویت قرار گرفت.

### پهلوی

در دوره پهلوی (۱۳۴۴ تا ۱۳۹۹ ه.ق. مصادف با ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ش) ثروتمندان کمتر از طریق وقف به کمک نیازمندان می شتافتند. چرا که رضاشاه بسیاری از املاک موقوفه را

در ایران مستقر شد چون سبب پررنگ شدن نقش قوانین و چارچوب های اداری در اداره حکومت شد، تأثیر ویژه ای بر اوضاع وقف گذاشت؛ ولی کماکان حکام خودکامه دست اندازی های خود را ادامه داده و این بار با وضع قوانین ناصواب این سنت حسنه را از مسیر اصلی خویش منحرف می نمودند. با این حال انقلاب مشروطه در جهت منفی و مثبت بر وقف تأثیرگذار بود.

در دوران مشروطه با تأسیس وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۳۲۸ ه.ق. اداره امور وقف تحت نظر این وزارتخانه قرار گرفت و در شهرستان ها مسئول اداره معارف و وظیفه رسیدگی به موقوفات را در کنار امور آموزش و پرورش بر عهده گرفت؛ به این ترتیب دخالت یا به تعبیری نظارت بر اوقاف بیشتر شد. با گسترش ادارات و اهمیت دادن به ثبت موقوفات، حفاظت از موقوفات سهل تر و امکان تبدیل آنها به املاک شخصی کمتر شد. هنگامی که امور

به نام خود و اطرافیان و ادارجات دولتی ثبت دادند و این عمل تأثیر بسیار زیادی در کمرنگ کردن سنت حسنه وقف داشت به خصوص قانون اصلاحات ارضی که موقوفات عام به افراد بدون مجوز شرعی فروخته شد و یا بسیاری از مردم از ترس این که املاک وقفی به دست عمال شاه نیفتند و قفنامه را مخفی نموده و به مرور زمان و قفنامه‌ها ناپدید و املاک وقفی به بوته فراموشی سپرده شد. رضا شاه که علاقه جنون‌آمیزی به مالکیت زمین و اراضی کشاورزی و باغی داشت بسیاری از املاک وقفی امام رضا (علیه السلام) را به بهانه تولیت آن‌ها به نام خود به ثبت رسانید و به پیروی از او، استانداران و فرمانداران او نیز به این عمل مبادرت کردند تا جایی که رواج موقوفه خواری در این دوره باعث شد اعتماد مردم به وقف کم و میزان وقف اموال به صفر برسد.

دولت رضاخان سیستمی به وجود آورد که به او امکان می‌داد بسیاری از حوزه‌های عمومی را کنترل کند.

تصویب قانون موقوفات در سال ۱۳۱۳ش برای اداره امور به دولت قدرت تصمیم‌گیری وسیعی تفویض می‌کرد. ماده اول این قانون اشعار می‌دارد، که «اداره کردن موقوفاتی که متولی ندارد یا مجهول التولیه است با وزارت معارف است. ماده دوم، نظارت کامل وزارت معارف و اوقاف را نسبت به موقوفات عامه مورد تصریح قرار می‌دهد. برابر نظامنامه اجرایی این قانون، دامنه رسمی برای نظارت دولت بر نحوه دخل و خرج و عمران رقبات در نظر گرفته شده بود. همچنین در این نظامنامه موارد مصرف عواید حاصل از موقوفاتی که اداره آن با وزارت اوقاف است، به ترتیب ذیل تعیین شد:

احداث ساختمان دبستان‌ها (۴۰٪)،  
 خرید لوازم تحصیل و لباس شاگردان بی‌بضاعت (۱۰٪)، کمک به منافع عمومی امور عام‌المنفعه و شیر و خورشید سرخ (۲۰٪)، کمک به تبلیغات عمومی و بهداشت عمومی (۱۰٪)،  
 طبع کتاب‌های مفید (۱۰٪) و ذخیره برای مخارج غیر مترقبه (۱۰٪)».

از استعفای از سلطنت و واگذاری سلطنت به ولیعهد، کلیه دارایی یعنی اموال منقول و غیر منقول خویش را در ایران طبق مصالحه نامه رسمی به فرزند خود محمدرضا شاه واگذار نمود که او هم طبق فرمانی اموالی که غیر منقول بود به دولت واگذار و اموال منقول را به عنوان عطیه ملوکانه صرف بعضی مصارف از قبیل ساختمان بیمارستان در شهرستانها و بذل و بخششها و غیره رسانید. تا آن که در سال ۱۳۲۷ که قدرت محمد رضا شاه جوان تحکیم شده بود و جراید در نوشتن پاره‌ای مسائل مربوط به دربار محدودیت‌هایی یافته بودند، به خیال افتاد آنچه را به نام بخشش و عطیه به دولت واگذار کرده پس گرفته و تصاحب نماید و به این منظور، دولت لایحه‌ای به مجلس تقدیم نموده که کلیه اموال غیر منقول واگذاری به محمدرضا شاه برگردانده شود و در قالب بنیاد پهلوی اداره شود که در ظاهر وقف بود ولی در حقیقت چون ملک و اموال غیر منقول دیگر محسوب و روی اصول وقف عمل

برقراری مقررات مربوط به اوقاف، تا حدودی دست روحانیان را از منابع مالی حاصل از درآمد اوقاف کوتاه کرد و قدرت مالی آن‌ها را محدود ساخت. دخل و تصرف دولت در املاک موقوفه تا آنجا پیش رفت که در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۲۰، قانون اجازه فروش املاک زراعتی موقوفه در مجلس شورای ملی به تصویب رسید بنابر مواد این قانون دولت اختیارات بسیاری در فروش املاک اوقافی به دست می‌آورد. بنا به سنت گذشته و با وجود سایر اقدامات غیر مذهبی، رضا شاه خود را متولی آستان قدس اعلام کرد. او نحوه مدیریت را تغییر داد و بخشی از درآمدهای موقوفات را صرف آبادانی شهر مشهد (ساختن خیابان‌های بزرگ و احداث کانال‌های بزرگ آب) و تأسیس یک بیمارستان برای زائرین کرد.

بنا بر اسناد تاریخی تعدادی از املاک وقفی به خصوص موقوفات آستانه ری به عنوان خالصی دولتی به رضاخان فروخته شد. رضاشاه پس

نمی‌شد و عواید آن صرف بذل و بخشش‌های بی‌حساب می‌گردید و عده‌ای که وابسته به دربار بودند از آن استفاده می‌نمودند. ۳۹

از سال ۱۳۲۸ش ادارات اوقاف در مرکز و شهرستان‌ها از ادارات فرهنگ جدا گردید و برای کارهای اوقاف مسئولان جداگانه تعیین شدند؛ و در سال ۱۳۴۳ش این تفکیک اداری کامل شد.

بنا بر گزارش‌های موجود، بخشی از عواید رقبات صرف کمک به مؤسس‌ها از جمله شیر و خورشید، ساخت مدرسه و کمک به دانش‌آموزان بی‌بضاعت می‌شده است. مساعدت سالانه به دانشسرای تعلیمات دینی و چاپ کتاب‌های دینی و علمی نیز از اقدامات دیگر سازمان اوقاف در اجرای نیات واقفان بوده است.

### جمهوری اسلامی ۴۰

سازمان اوقاف و امور خیریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بررسی جامعی در مورد موقوفات انجام داد. اشکالات

و آفات را شناسایی کرد و راهکارهای لازم را در جهت رفع نواقص و توسعه وقف و بهره‌وری بهینه از این منابع مهم به کار بست. با یک نگاه کلی می‌توان مجموعه این فعالیت‌ها را، به تعبیر حجت الاسلام والمسلمین آقای نظام زاده (ریاست وقت سازمان اوقاف و امور خیریه) در سه بخش دسته‌بندی کرد:

### ۱. بازیابی و کشف موقوفات

#### گمشده

در طول ده‌ها سال گذشته برخی از موقوفات بنا به دلایل گوناگون از بین رفتند و نشانی از آن‌ها نمانده بود. سازمان اوقاف بنا به وظیفه شرعی و قانونی، گروهی از متخصصان و حقوق‌دانان خود را برای یافتن موقوفات بسیج کرد، و آن‌ها با مراجعه به ادارات ثبت اسناد و املاک و بررسی پرونده‌ها و مطالعه وقفنامه‌ها اطلاعاتی قیمتی به دست آوردند و املاک فراوانی را که سابقه وقفیت آن‌ها محرز بود شناسایی و به وقفیت برگرداندند.

زمینه بازگرداندن موقوفات غصب شده به وقفیت فراهم شد و شورای انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۴ - یعنی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب - لایحه قانونی مهمی را تحت عنوان «لایحه قانونی تجدید اجاره املاک موقوفه» تصویب کرد. در ماده یک این قانون به صراحت آمده است:

«به منظور جلوگیری از هرگونه تضییع حق در موقوفات کشور و تنظیم اسناد و قرارداد اجاره و تعیین اجاره بهای عادلانه املاک استیجاری و متصرفی و موقوفه از این تاریخ کلیه اسناد و قراردادها، اعم از عادی و رسمی منعقد بین اوقاف و مستأجرین در موقوفات عامه، نظیر املاک مزروعی و باغات و اراضی و مستغلات و مستحدثات شهری و روستایی، فسخ و به این قبیل مستأجرین و سایر اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی که به هر نحوی از انحاء در حال حاضر املاک موقوفه را متصرف می‌باشند اخطار می‌شود که در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این لایحه جهت روشن نمودن وضع

## ۲. بازستانی موقوفات غصب

### شده

بخش دیگر فعالیت سازمان در زمینه بازستانی موقوفات غصب شده است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در زمان رژیم گذشته از دو ناحیه به موقوفات ضربه وارد شده است. یکی از راه‌های تصویب قوانین خلاف شرع مانند «قانون اصلاحات ارضی» که طی آن بسیاری از زمین‌های وقفی مزروعی توسط حکومت پهلوی از وقفیت خارج و سند مالکیت به نام زارعین صادر شد. دوم از ناحیه برخی متصدیان امور وقف که با موقوفه خواری و حیف و میل موقوفات موجب سلب اعتماد مردم و خیرین از این سنت نبوی شدند و به تدریج انگیزه خیرخواهی در جامعه ضعیف شد. اما در مورد اول یعنی تصویب قوانین خلاف شرع، اقداماتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت لغو آن قوانین صورت گرفت و طبق فتوای امام خمینی (رحمت الله علیه) که فرمودند: «موقوفات باید به حال وقفیت باقی و عمل به وقف شود»،

املاک استیجاری و متصرفی خود و تأییدیه اجاره بهای گذشته و تنظیم اسناد اجاره جدید به نرخ عادلانه روز به اداره اوقاف محل ملک مراجعه نمایند.» این اقدام شورای انقلاب اسلامی ایران، روحی تازه در کالبد بی جان موقوفات کشور که در حال اضمحلال کامل بودند دمید و مشتاقان به کار خیر را دوباره امیدوار کرد.

با تصویب این قانون کلیه ارتباطات قانونی بین متولیان موقوفات و مستأجرین لغو شد و مجدداً با در نظر گرفتن صرفه و صلاح وقف تجدید اجاره گردید.

در همین راستا مجلس شورای اسلامی هم در سال ۱۳۶۳ شمسی قانونی را در یک ماده و پنج تبصره به تصویب رساند که در این قانون آمده است: «از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت در آمده باشد به وقفیت خود برمی‌گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است.»

به منظور اجرای دقیق و عادلانه قانون مذکور و تعیین تکلیف متصرفین موقوفاتی که به فروش رفته، کمیسیونی مرکب از پنج نفر از علما و مجتهدان در سازمان اوقاف تشکیل گردید، تا طبق ماده دوم آیین نامه قانون مذکور کلیه پرونده‌هایی را که از سراسر کشور در این رابطه به سازمان اوقاف می‌رسند بررسی و تعیین تکلیف نماید. لازم به ذکر است با اجرای قانون «ابطال اسناد فروش رقبات موقوفه» از سال ۱۳۶۳ تاکنون هزاران هکتار از اراضی و املاک موقوفات در روستاها و شهرهای مختلف کشور به ارزش میلیاردها ریال به وقفیت برگشته و عواید آنها در جهت اجرای نیات خیر واقفان هزینه می‌شود.

### ۳. بازسازی و احیای موقوفات مخروبه.

بخش دیگر از فعالیت‌های سازمان اوقاف بازسازی موقوفات مخروبه است. سازمان اوقاف علاوه بر بازشناسی و کشف موقوفات گمشده

را در پرتو آن جستجو می‌نمایند.

برخی از موقوفات با کاربری خاصی و یک نوع خدمت رسانی همچون مدارس علمیه در دوره‌های مختلف میزبان طالبان علوم دینی بوده و چه عالمان بزرگی در آن رشد کرده و توانسته‌اند حرکت جامعه را تغییر داده و این مدارس شاهد چه بسیار حوادث بوده و در آن چه تصمیمات بزرگی که اتخاذ نگردیده است. برای نمونه مدرسه علمیه فیضیه در قم و مدرسه علمیه صدر بازار و سلطانیه (امام صادق) در اصفهان.

موقوفات دیگری نیز سراغ داریم که دارای کاربری خاصی نبوده و هر دوره به مقتضای خود آثار فراوانی در جامعه در پرتو آن رقم خورده است. زمین‌های وقفی که در دوره‌ای کاروانسرا بود، سپس تغییر کاربری داده محل‌های عزاداری مردم گشت و امروزه به صورت مدارس تحصیلی ایفاء نقش می‌نمایند و عواید حاصله از آن صرف اداره امری خیر می‌شود که برای نمونه به زمین‌های موقوفه مسجد لبنان در

و علاوه بر بازستانی موقوفات غصب شده اقدام مهم دیگری که به خصوص در سال‌های اخیر به انجام آن‌ها موفق شده است انجام داد و آن بازسازی و احیای موقوفات و بهینه‌سازی آن‌هاست.

احیا و بازسازی موقوفات شامل دو جنبه است:

الف. بازسازی عمرانی؛

ب. بازسازی فرهنگی و معنوی.<sup>۴۱</sup>

### آثار وقف اسلامی در ایران

آثار مختلفی را می‌توان برای وقف برشمرد چرا که این حکم مترقی اسلامی و مردمی در طول تاریخ توانسته در ابعاد مختلفی نقش‌آفرین بوده و خدمات خود را به جامعه پیرامون خود اعلام عملی نماید و از آنجایی که اصل مال در وقف پابرجا می‌ماند و همه از منفعت آن استفاده می‌برند خدمت رسانی آن به یک زمان خاصی و یا مردم یک دوره خلاصه نشده، ادوار مختلف با سلائق متفاوت از موقوفات استفاده برده و اهداف خود



اصفهان می‌توان اشاره کرد.

پس نقش و آثار موقوفات را نمی‌توان در چند سطر برشمرد ولی می‌توان به ابعاد کلی آثار وقف اشاره کرد ولی باید توجه داشت که باز دامنه بحث تمام ابعاد وقف نیست، چرا که بحث پیرامون ابعاد اجتماعی وقف است. بنابراین ابعاد اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی، علمی و تمام ابعادی که رابطه‌ای با اجتماع ندارد از بحث ما بیرون است و این نکته نشان دهنده آن است که ما فقط به بخشی از آثار فراوان وقف اشاره می‌نماییم.

نکته لازم آن است که ابعاد اجتماعی وقف نیز دارای دامنه‌ای بسیار وسیع است، زیرا هر قوم و ملت به اقتضای محیط اجتماعی خود از وقف بهره‌های فراوان می‌برد که ممکن است این اقتضایات در دیگر کشورها و ملیت‌ها وجود نداشته و یا اصلاً مردم دیگر ملت‌ها چنین انتظاراتی را از وقف نداشته باشند، پس دامنه بحث را به کشور ایران محدود می‌نماییم تا بتوانیم نتیجه‌های در خور مطلب را کسب کنیم.

باید توجه داشت کشور ایران در دوره‌های مختلف و امروزه دارای مردمی با گرایش‌های مذهبی و دینی متفاوت است ولی از آنجایی که اکثر مردم را مسلمانان و خصوصاً شیعیان تشکیل می‌دهند به آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران اشاره می‌کنیم و به وقف دیگر ادیان همچون یهودیان و مسیحی‌ها توجهی نداریم.

و باز با توجه به گستردگی آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران به بیست و یک بُعد از این آثار اشاره و به اسناد موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه و لیست نیات واقفین که در سال ۱۳۹۱ به اهتمام دفتر اسناد اوقافی سازمان اوقاف و امور خیریه از تمامی اسناد وقفی موجود در کشور استخراج شده اشاره می‌نماییم.

قابل ذکر است که این نیت‌ها که از تمام اوراق وقفنامه‌ها و اسناد وقفی موجود در دفتر اسناد اوقاف با دقت فراوان استخراج شده، هفت صد و هفتاد و شش نیت واقفان را بیان می‌نماید که در ده عنوان و چهل و هفت موضوع

دسته‌بندی شده است.

- نیت (۳/۷۴ درصد)
۱۰. بقاع متبرکه و اماکن مذهبی با سه موضوع و نوزده نیت (۲/۴۵ درصد) با بررسی این عناوین و موضوعات و نیت‌ها پی می‌بریم که نیات و موضوعات اجتماعی و مذهبی بیشترین عناوین و نیت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و واقفان علاوه بر آن که در وقف، دغدغه دین را داشته و خود را موظف به حمایت از دین می‌دانسته‌اند، امورات اجتماعی و رفاهی مردم را مهم دانسته و برای آن موقوفات فراوانی را به صورت صریح از جمله موارد اول، چهارم، پنجم و هشتم داشته که مجموعاً پانصد و شش نیت را از مجموع هفتصد و هفتاد و شش نیت که حدود ۶۷ درصد کل نیت‌ها می‌باشد در بر گرفته است.
- سازمان اوقاف و امور خیریه علاوه بر آن که این نیت‌ها را جمع‌بندی نموده، برای هر یک کد و شماره‌ای خاص در نظر گرفته تا در سیستم‌های یک پارچه و سامانه‌های اوقافی بتواند از آن بهره برده و نیت‌های هر یک از
- عناوین و موضوعات از قرار زیر می‌باشد:
۱. حفظ و نگهداری با چهار موضوع و ده نیت (۱/۲۹ درصد)
  ۲. حقوق اوقافی با چهار موضوع و هفت نیت (۰/۹۰ درصد)
  ۳. نیت‌های مذهبی با هشت موضوع و یکصد و هفتاد و شش نیت (۲۲/۶۸ درصد)
  ۴. نیت‌های خیریه با ده موضوع و دویست و شصت و هفت نیت (۳۴/۴۱ درصد)
  ۵. نیت‌های اجتماعی با شش موضوع و یکصد و هشتاد و سه نیت (۲۳/۵۸ درصد)
  ۶. برای عتبات عالیات با پنج موضوع و بیست و هفت نیت (۳/۴۸ درصد)
  ۷. مطلقه و مجهول‌المصرف با دو موضوع و دو نیت (۰/۲۶ درصد)
  ۸. مدارس و حوزه‌های علمیه با دو موضوع و پنجاه و شش نیت (۷/۲۲ درصد)
  ۹. مساجد با سه موضوع و بیست و نه

اسناد را مشخص کرده و درآمد حاصله از آن را محاسبه تا بتواند در قالب درآمدها به نیت‌های در نظر گرفته شده از سوی واقفان برساند، ما نیز در آثار اجتماعی وقف که در بیست و یک بعد بیان کرده‌ایم، در جای جای این مقال به این نیت‌ها اشاره کرده و در پایان مطالب، لیست کامل نیت‌ها را به عنوان ضمیمه ارائه خواهیم داد.

### ۱. امنیت اجتماعی

اولین بُعد اجتماعی وقف، امنیت اجتماعی است.<sup>۴۲</sup>

اگر وقف به خوبی توسط دولت و نهادهای جامعه مدنی مدیریت شود می‌تواند عامل تأمین‌کننده در عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌ها، شهروندی فعال و نهایتاً امنیت در سه سطح مختلف فردی، ملی و حقوق بین‌المللی شود. در این راستا باید توجه داشت، اگر نهاد وقف در ساختار سازمان‌های دولتی محبوس شود و دولت آن را به عنوان یک سازمان دولتی حساب کند و به متولیان و واقفان با نظر حقارت‌آمیز نگاه کند، و از وقف برای بزرگ شدن منابع درآمدزایی خود نگاه کند، وقف به مقوله‌ای ضد امنیت تبدیل می‌شود. در

قبل از بیان ابعاد اجتماعی وقف توجه به این نکته لازم است که به طور کلی می‌توان وقف را دارای دو اثر بیرونی و درونی دانست. اثر درونی متوجه شخص واقف است، زیرا که با این عمل به تزکیه نفس خود پرداخته و خصلت‌هایی چون ثروت اندوزی و خودخواهی را از خود دور کرده است و اما اثرهای بیرونی آن که در جامعه نمود پیدا می‌کند، می‌تواند در از بین بردن فقر و محرومیت و فاصله شدید طبقاتی تأثیر بسزایی بگذارد. این اثرهای بیرونی چنان نقش مهمی ایفا می‌کند که حتی در اداره یک جامعه می‌توان نقش‌آفرینی کرده و روال جامعه را به

صورتی که وقف به عنوان یک نهاد جامعه مدنی است که دولت می تواند با امر نظارت از آن در راستای تحقق سطوح امنیت استفاده کند و نهادهای مدنی نیز از آن به عنوان عامل استقلال و نظارت بر نهادهای قدرتی بهره ببرند. در این صورت است که نهاد وقف با نقش آفرینی در ایده های مربوط به عدالت اجتماعی و برابری فرصت ها یکی از راهکارهای موثر در تأمین امنیت اجتماعی محسوب می شود. در کشور ایران از آنجا که تأمین امنیت اجتماعی، ثمره برقراری امنیت اعتقادی، علمی، سیاسی، روحی و بهداشتی و مانند آن است، سنت وقف مجال آن را یافته که با پرداختن به یک یا چند مورد از آن ها به اصلاح و بهبود اوضاع جامعه پردازد و با موقوفاتی که نیت واقفان بر اساس اصلاح اعتقادات و بالا بردن سطوح علمی و حتی تأمین بهداشتی و درمانی جامعه است امنیت اجتماعی را در جامعه برقرار نماید. برخی از موقوفاتی که با این نیت ها ساخته شده از این قرار است:

احداث کلینیک پزشکی (۸۱۱۸۰۳۰۰۱)، احداث درمانگاه توان بخشی جهت اسکان و مداوای معلولین (۸۱۱۸۰۳۰۰۲)، احداث آسایشگاه (۸۱۱۸۰۳۰۰۴)، احداث زایشگاه (۸۱۱۸۰۳۰۰۶).

کمک و مساعدت به ایتام و بی سرپرستان جامعه نیز می تواند برای جامعه تأمین امنیت فکری و اخلاقی نموده، از مفاسد اجتماعی جلوگیری نماید، چه بسیار موقوفات که در راستای کمک و اعانه به مستمندان صورت گرفته که برای نمونه به چند مورد اشاره می شود:

تأمین نیاز فقراء و مستمندان و مساکین (۱۶ و ۸۱۱۷۰۱۰۱۷)، جهت فقرای محل و شهر و سادات و ارحام (۰۲ و ۱۲ و ۸۱۱۷۰۱۰۱۳)، کمک و مساعدت به در راه ماندگان (۸۱۱۷۰۱۰۰۱)، کمک به زندانیان (۸۱۱۷۰۱۰۰۴).

باید توجه داشت که بسیاری از مواقع، جامعه به دلیل عوامل خارجی و دشمنان داخلی و همچنین حوادث طبیعی دچار مشکلات و ناامنی می گردد و اگر مسئولین تدابیر لازم را

## ۲. عدالت اجتماعی

بعد دوم وقف در اجتماع، ایجاد و توسعه عدالت اجتماعی است. ۴۳

عدالت اجتماعی به معنای رعایت مساوات در جعل قانون و در اجرای آن است و از نظر مدیریت عبارت است از قانون‌گذاری برای نیل به مساوات برای پیشرفت و سیر مدارج ترقی برای همه آحاد مردم و عدم ایجاد موانع در راه پیشرفت همگانی.

بر اساس این تعریف وقف می‌تواند عدالت اجتماعی را در جامعه ایجاد کرده و توسعه بخشد؛ چرا که در وقف برخلاف انواع مالکیت‌ها که حرکت از مالکیت عمومی به سوی مالکیت خصوصی است، مالکیت خصوصی را به مالکیت عمومی تبدیل می‌نماید. زیرا اموال موقوفه همچون اموال عمومی، قابل فروش و بخشش نبوده و همگان از آن بهره مستقیم و غیرمستقیم خواهند برد و این اموال قابل ارث گذاشتن نیستند و برای همیشه در حالت وقفیت باقی بوده و اصل آن‌ها ثابت و غیر قابل انتقال و درآمد آن‌ها برای موقوف علیهم

اتخاذ نکنند ممکن است جامعه دچار بحران و ناامنی آن توسعه یافته و دامن گیر همگان گردد.

در این مواقع نیز وقف به کمک مسئولین و مردم آمده و توانسته نقش خود را در برقراری امنیت ایفاء نماید؛ برای نمونه در زمان جنگ برخی از خیرین اموالی را برای کمک و سامان بخشیدن به امورات جنگ زدگان وقف نمودند (۸۱۱۷۱۰۰۰۱) و برخی دیگر مراکزی را برای معلولین جنگی ایجاد نموده و اموالی را برای درمان آن‌ها اختصاص دادند (۸۱۱۷۱۰۰۰۳).

در این میان کمک به آسیب دیدگان حوادث طبیعی نیز از نیست واقفان خیراندیش به دور نمانده و علاوه بر اختصاص اموالی برای کمک به سیل زدگان و زلزله زدگان (۸۱۱۷۰۱۰۱۱)، موقوفاتی را برای جلوگیری از سیل و زلزله اختصاص داده‌اند (۸۱۱۷۱۰۰۰۲) که همه این نیت‌ها و موقوفات در برقراری امنیت اجتماعی نقش بسزایی دارد.

است. پس هدایت مالکیت‌های خصوصی افراد به سمت مصالح عمومی است و نوعی تقسیم منافع به صورت مساوی بین تمام مردم است تا از منافع آن همگان استفاده برند.

بدین گونه وقف با توزیع مجدد درآمد بین افراد، جامعه را به سمت توازن اجتماعی و ارتقاء فرهنگی هدایت می‌کند، چرا که اگر وقف اسلامی در جامعه گسترش یابد می‌توان سطح اقتصادی، معنوی و علمی جامعه را بالا برد و بسیاری از معضلات اجتماعی را حل کرد و در محو فقر و محرومیت‌ها تأثیر گذارد و از اختلافات شدید طبقاتی جلوگیری نمود و که بالطبع این‌ها از طریق گسترش عدالت اجتماعی بر محور استحقاق، اسباب تألیف قلوب مسلمین نسبت به یکدیگر را فراهم می‌کند.<sup>۴۴</sup>

وقف به عنوان ابزار نیرومند از توانایی پرورش و حفظ استعدادها برخوردار است و با آثار و برکات فراوان خود به اداره بهتر جامعه کمک شایانی می‌کند. از آن جمله با ایجاد

اشتغال باعث افزایش تولید ناخالص ملی و جلوگیری از فرار مغزها و موجبات تولید و صادرات را فراهم کرده باعث ادامه روند رشد کشور و شکوفایی اقتصادی جامعه می‌شود و عدالت اجتماعی را محقق می‌سازد.

وقف به گسترش مالکیت‌های عمومی پرداخته و با کم کردن مالکیت فردی، فاصله طبقاتی را کاهش داده باعث محو شدن فقر و آثار شوم آن می‌گردد. از این روی باید توجه داشت وقف، فرهنگی است که در اکثر موارد تحصیل سود بیشتر در آن جای ندارد پس باعث جلوگیری از استثمار و بهره‌کشی ثروتمندان از عموم مردم می‌شود و در جامعه تعادل ایجاد کرده و از بالا رفتن بی‌رویه اجارات و رهن جلوگیری می‌نماید.

بنابراین وقف، تفکر فردگرایانه را محدود و محصور و تفکر در سرنوشت و زندگی دیگران را ممکن ساخته، به رشد عناصر پویای نظام اجتماعی و سوق دادن جامعه به سوی مودت و مساوات منجر می‌شود.

کمال ابدی و قرب الهی است باز ندارد، بلکه او را در راه نیل به آن هدف یاری دهد و جمع میان این دو نه تنها ممکن که مطلوب است.

همه انفاق‌های مالی، از جمله وقف، برای انسان به منزله هرس کردن درختِ اموال از اضافات است که او را در مسیر نیل به هدف اصلی و نهایی‌اش یاری می‌دهد و در این جهت به او سرعت می‌بخشد؛ چه آن که در اثر وقف مال از قید مالکیت خصوصی و شخصی رها شده به سوی مالکیت عمومی حرکت می‌نماید که منافع آن در راه خدا و مردم مصرف شده و از مظاهر بارز گسترش دامنه عدالت اجتماعی به شمار می‌رود. از نگاهی دیگر برای اجرای عدالت اجتماعی، ابتدا باید ریشه‌های بی‌عدالتی را شناخت، سپس برای از بین بردن آن‌ها اقدام نمود. از جمله مهم‌ترین ریشه‌های بی‌عدالتی در جامعه مسئله دوری از معنویت و عدم پای‌بندی به اصول اخلاقی است که ریشه بسیاری از نابسامانی‌ها و انحرافات در جامعه می‌باشد که واقفان بسیاری اموال خود

وقف را باید از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جزء مظاهر خاص پیشرفت و رفاه بدانیم. نتیجه طبیعی وقف را می‌توان در سه فرایند ذکر کرد: تعدیل ثروت، توازن اجتماعی و همکاری جامعه که همه این‌ها در اصل، زیر بنای عدالت اجتماعی و اقتصادی جامعه هستند.

بنابر آنچه گفته شد، تحقق عدالت اجتماعی مستلزم تحقق دو امر بسیار مهم است:

الف: زدودن فقر از جامعه، چرا که فقر در جامعه نشانه ظلم است. خداوند نعمت‌ها را برای همه انسان‌ها آفریده و محرومیت عده‌ای از آن‌ها یعنی ظلم. ب: جلوگیری از تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود که به طور قطع بر رفتار اجتماعی اثر می‌گذارد.

نظام اقتصادی اسلام، تنها در صدد رفع نیازهای ضروری نیست بلکه به دنبال تأمین رفاه نیز هست. البته رفاه مطلوب و مجاز در اسلام باید در حدی باشد که انسان را از یاد خدا غافل نکند و او را از هدف اصلی و اساسی که

را در راستای زدودن این بلیه‌های بزرگ وقف کرده‌اند.

### ۳. حل معضلات و مشکلات

بُعد سوم اجتماعی وقف، حل معضلات و مشکلات فردی و اجتماعی در جامعه است.<sup>۴۵</sup>

زندگی بشری همراه با معضلات و مشکلات فراوانی است که هر یک منشأ بسیاری از نابسامانی‌های روحی، فرهنگی و اجتماعی است که حل این مشکلات می‌تواند باعث آرامش روحی و اجتماعی گردد، برای حل هر یک از معضلات باید سرمنشأ آن را معلوم و مشخص نمود و برای آن درمانی در نظر گرفت.

بخشی از معضلات مادی ریشه در بی‌کاری افراد دارد که در بُعد یازدهم به کارآفرینی وقف اشاره خواهد شد و یا نیازهای مادی باعث بروز چنین مشکلاتی شده و یا عدم بهداشت و درمان مناسب چنین وضعی را فراهم آورده که در بُعدهای ششم، هفتم و سیزدهم بدان خواهیم پرداخت. همچنین ریشه برخی از مشکلات و

معضلات اجتماعی فقر معنوی و علمی در جامعه است.

برای مبارزه زیر بنایی با معضلات و مشکلات فکری و اعتقادی، بایستی مراکز علمی و معنوی را در سطح جامعه گسترده کرد که با مراجعه‌ای گذرا به موقوفات پی می‌بریم اکثر موقوفات خصوصاً وقف‌های مسلمانان در ایران، برای بالا بردن سطح معنوی و علمی است، برای نمونه به سه مورد اشاره می‌شود:

#### ۱. ساخت، مرمت و اداره مساجد

مساجد پایگاه‌های فکری و معنوی مردم هستند که در طول تاریخ توانسته در زندگی مسلمانان نقش‌آفرینی نموده و با حضور مردمی بسیاری از معضلات و مشکلات را حل و فصل نماید.

با مراجعه‌ای سطحی به انبوه موقوفات می‌توان موارد فراوانی را یافت که به مساجد خاص و یا عموم مساجد اختصاص دارد که اموالی را برای احداث مسجد (۱۰۱۰۱۰۲۲۰۸)، تعمیر، بازسازی و توسعه مساجد (۲۰۱۰۲۲۰۸۱۲۲)،

تأسیسات مساجد (۸۱۲۲۰۱۰۰۳)،  
 (۸۱۲۲۰۱۰۱۱)، مفروش نمودن  
 مسجد (۸۱۲۲۰۱۰۰۵)، ادغام به مسجد  
 (۸۱۲۲۰۱۰۰۶)، اختصاص یافته و یا  
 املاک و اموالی جهت الحاق و توسعه  
 محوطه و ساختمان مسجد جامع  
 (۸۱۲۲۰۱۰۰۷)، هزینه‌های نگهداری  
 مسجدی خاص (۸۱۲۲۰۱۰۰۸)،  
 تعمیر یا احداث گنبد و گلدسته  
 (۸۱۲۲۰۱۰۱۰)، وقف گردیده و یا حتی  
 در برخی از وقفنامه‌ها جزییاتی برای  
 نگهداری مناسب مساجد همچون اندود  
 و مرمت پنجره و کاغذ شیشه مسجد  
 (۸۱۲۲۰۱۰۰۹) ذکر گردیده است.

۲. احداث، توسعه، اداره، تعمیر  
 اماکن زیارتی و علمی

در میان اسناد موقوفات مواردی را  
 می‌یابیم که به احداث بقعه و بارگاه  
 (۸۱۲۳۰۱۰۰۱)، تعمیر و بازسازی  
 بقاع و اماکن متبرکه (۸۱۲۳۰۱۰۰۲)،  
 ضمیمه نمودن به بقعه (۸۱۲۳۰۱۰۰۳)،  
 بازسازی و ایجاد فضای فرهنگی در  
 بقاع و اماکن متبرکه (۸۱۲۳۰۱۰۰۴)،  
 نگهداری و روشنایی و جریان آب

۳. شهریه طلاب

یکی از مشکلات طالبان علوم دینی،  
 هزینه‌های جاری زندگی است تا  
 بدون دغدغه خاطر و به دور از اعمال  
 نفوذ دولتیان به تحصیل علوم اسلامی  
 بپردازند و بتوانند در جامعه به ارائه  
 خدمات دینی پرداخته و با مظاهر فساد  
 به مبارزه برخیزند و به درمان معنوی  
 معضلات جامعه بپردازند.

وقف از دیرباز در این زمینه نیز  
 کارگشا بوده و واقفان مدارس علمیه و  
 یا خیران علم دوست و عالم پرور در  
 این زمینه و برای کمک به امرار معاش  
 و تأمین کتاب‌ها و لوازم مورد نیاز  
 طالبان علوم دینیه وقف‌هایی داشته‌اند  
 که به برخی از نیت آنان اشاره می‌شود:  
 شهریه و حقوق طلاب (۸۱۲۱۰۱۰۴۳)،  
 (۸۱۲۱۰۱۰۰۸)، (۸۱۲۱۰۱۰۱۳)، کمک و

- حقوق برای مدرسین (۸۱۲۱۰۱۰۰۹)، جهت طلاب علوم دینی (۸۱۲۱۰۱۰۱۰)، (۸۱۲۱۰۱۰۱۱)، جهت سادات طلاب ساکن در مدرسه (۸۱۲۱۰۱۰۱۲)، جهت طلاب در کربلا و نجف (۸۱۲۱۰۱۰۱۴)، جهت سکونت طلاب واجد شرائط علوم دینی (۸۱۲۱۰۱۰۱۵)، (۸۱۲۱۰۱۰۱۸)، اطعام طلاب (۸۱۲۱۰۱۰۳۹)، (۸۱۲۱۰۱۰۱۶)، سادات طلبه فقیر (۸۱۲۱۰۱۰۱۷)، معیشت طلاب امامیه (۸۱۲۱۰۱۰۲۰)، جهت مدرس علوم نقلیه (۸۱۲۱۰۱۰۲۲)، جهت طلاب مجاور (۸۱۲۱۰۱۰۲۳)، (۸۱۲۱۰۱۰۲۶)، (۸۱۲۱۰۱۰۲۷)، جهت طلاب درس خوان (۸۱۲۱۰۱۰۲۴)، (۸۱۲۱۰۱۰۲۵)، جهت فقرای علمای اثنی عشر (۸۱۲۱۰۱۰۲۸)، تزویج افراد مجرد طلاب (۸۱۲۱۰۱۰۲۹)، جهت طلاب مسجد (۸۱۲۱۰۱۰۳۰)، (۸۱۲۱۰۱۰۳۱)، (۸۱۲۱۰۱۰۳۳)، طلاب فقیر متدین مسئله گو (۸۱۲۱۰۱۰۳۲)، کمک به امر تحصیل طلاب (۸۱۲۱۰۱۰۳۴)، جهت هزینه‌های سکونت طلاب (۸۱۲۱۰۱۰۳۵)،
- جهت طلاب بیمار (۸۱۲۱۰۱۰۳۶)، نفت جهت طلاب در حجرات (۸۱۲۱۰۱۰۳۷)، جهت طلاب متعهد قابل اجتهاد (۸۱۲۱۰۱۰۳۸)، خرید کتاب‌های فقهی جهت طلاب فقیر (۸۱۲۱۰۱۰۴۰)، جهت تأمین مخارج و تحصیل طلاب (۸۱۲۱۰۱۰۴۱)، جهت اسکان طلاب حوزه علمیه با الویت سید (۸۱۲۱۰۱۰۴۲)، احداث و تعمیر و بازسازی تأسیسات مدارس علوم دینی (۸۱۲۱۰۲۰۱۳).
- با تأمل به این موقوفات در می‌یابیم وقف به حل مشکلات فردی و معضلات اجتماعی کمک کرده و دل‌ها را به هم نزدیک نموده و قابل انعطاف می‌سازد. تفکر فردگرایانه را محدود و محصور و تفکر در سرنوشت و زندگی دیگران را ممکن ساخته، به رشد عناصر پویای نظام اجتماعی اسلام و بالاخره سوق دادن جامعه به سوی مودت و مواسات منجر می‌شود.<sup>۴۶</sup>

## پی‌نوشت‌ها:

۱. تاریخ بیهقی، ص ۱۵۸.
۲. ر.ک «موقوفات ایرانیان در عراق»، در عنوان «بغداد» بحثی پیرامون «بیمارستان عضدی» ارائه شده.
۳. عضد الدوله دیلمی و بیمارستان عضدی بغداد.
۴. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن ص ۶۹.
۵. تاریخ تمدن اسلامی، ص ۶۲۷.
۶. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۴۷، ص ۲۱۲.
۷. مالک و زارع در ایران، ص ۱۶۶.
۸. جامع التواریخ، ج ۲، ص ۵.
۹. مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ص ۸۴ به نقل از «تاریخ اجتماعی ایران»، جلد چهارم، بخش دوم، ص ۷۵۲ و ۷۵۵.
۱۰. ربع رشیدی، مجتمع بزرگ وقفی، علمی و آموزشی در تبریز.
۱۱. متن این وقفنامه در جلد چهارم «فرهنگ ایران زمین» در صفحات ۱۲۲ - ۱۳۸ و قسمت تعلیقات و توضیحات کتاب «تاریخ کاشان» صفحه ۴۷۳، چاپ شده است.
۱۲. وقفنامه مسجد و مدرسه رکنیه به صورت رساله‌ای به نام «جامع الخیرات» در جلد دهم «فرهنگ ایران زمین» در ۲۳۱ صفحه به کوشش: محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار به چاپ رسیده است.
۱۳. یادگارهای یزد، ج ۲، ص ۳۰۴ و ۳۹۱.
۱۴. اصل این فرمان به عنوان یک سند مهم تاریخی در کتاب «مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف»، صفحه ۸۶ آورده شده است.
۱۵. اصفهان، سرزمین وقف.
۱۶. مسجد حظیره به سال ۸۴۳ هـ. ق ساخته شده و از مساجد تاریخی یزد می‌باشد.
۱۷. کتابچه موقوفات یزد، چاپ شده در فرهنگ ایران زمین، جلد ۱۰ ص ۱۲۳.
۱۸. مسجد امیرچقماق یزد در سال ۸۴۱ هـ. ق توسط امیرجلال‌الدین چقماق شامی و همسرش بی‌بی فاطمه خاتون ساخته شد.
۱۹. جامع مفیدی، ج ۱، ص ۱۷۰ و ج ۳، ص ۴۶۹؛ همچنین تاریخ یزد، ص ۷۵.
۲۰. مسجد کبود تبریز در دوره حکمرانی جهانشاه قره‌قوینلو (۸۴۱ - ۸۷۴) ساخته شده است.
۲۱. تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، ص ۷۸ و ۷۹، همچنین راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی، ص ۱۶.
۲۲. مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، ص ۸۹.
۲۳. ر.ک نقش صدر (رییس اوقاف) در حکومت صفویه.
۲۴. نقش وقف در آبادی شهرها.
۲۵. اوقاف.
۲۶. این کتاب در سال ۱۹۴۳ به وسیله مستشرق نامی مینورسکی در کمبریج به چاپ عکسی رسیده و ترجمه آن با حواشی و تعلیقاتی به زبان انگلیسی به

وسيله ناشر بر آن اضافه شده است، متن فارسی آن در سال ۱۳۳۲ به كوشش آقای دبیر سیاقی در تهران چاپ شده است.

- ۲۴ . تذكرة الملوك ، فصل ۲ ، باب ۱ .  
 ۲۵ . تذكرة الملوك ، فصل ۲ ، باب ۵ .  
 ۲۶ . سفرنامه تاورنیه ، ص ۵۸۸ .  
 ۲۷ . سفرنامه كمپفر ، صص ۱۲۱-۱۲۲ .  
 ۲۸ . مالك و زارع در ایران ، ص ۲۲۳ .  
 ۲۹ . تاريخچه اوقاف اصفهان ، ص ۳۳۹ .  
 ۳۰ . تاريخ اصفهان و ری و همه جهان ، ص ۳۵ .  
 ۳۱ . همان ، ص ۴۰ .  
 ۳۲ . تاريخچه اوقاف اصفهان ، ص ۳۴۳ .  
 ۳۳ . آشنایی با شهر تاريخی اصفهان ، ص ۶ .  
 ۳۴ . سيد جمال پایه گذار نهضت های اسلامی ، ص ۲۹ .  
 ۳۵ . تاريخ اصفهان و ری و همه جهان ، ص ۲۹۷ .  
 ۳۶ . سفرنامه از خراسان تا بختیاری ، ص ۷۳ .  
 ۳۷ . سفرنامه ایران و ایرانیان ، ص ۲۳۴ و ۲۶۵ .  
 ۳۸ . سفرنامه دیولافوا ، ۱۳۶۱ ، ص ۱۷۲ .  
 ۳۹ . تاريخ بيست ساله ایران : مقدمات تغيير سلطنت .  
 ۴۰ . ر.ك وقف و سير و تحولات قانونگذاری در موقوفات ، ص ۳۸ .  
 ۴۱ . ر.ك تحول نهاد وقف .  
 ۴۲ . ر.ك وقف و امنیت اجتماعی «دولت و وقف به عنوان نهاد جامعه مدنی :

- تأثير گزاري ها و تأثير پذيري های متقابل در مقوله امنیت» .  
 ۴۳ . ر.ك ساختار وقف در جهان اسلام ، ص ۴۰۹ ، عنوان : اثر وقف در توزيع ثروت و تحقق عدالت اجتماعی .  
 ۴۴ . نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن ، ص ۸ .  
 ۴۵ . ر.ك راهكار وقف در حل مشكلات جامعه .  
 ۴۶ . نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن ، ص ۱۷۰ .

نکته: فهرست منابع در پایان قسمت چهارم مقاله می آید.